

زندگی نامه

آیت‌اله دکتر سید مهدی روحانی رهبر شیعیان اروپا

بسال ۱۳۱۱ شمسی در شهر قم (ایران) سید مهدی روحانی در یکی از خاندانهای علم و دانش چشم دنیا گشود، اما واقعه مسجد گوهر شاد (مشهد) که جامعه روحانیت را رویاروی دولتمردان حکومت وقت قرار داد سبب شد که وی، همراه خانواده و عم خود حضرت آیت‌الدجاج آقا حسین قمی که ناگزیر از ترک ایران بود، به عراق عزیمت نماید و دوران آموزش ابتدائی خویش را در مدارس آن کشور بپایان برد. ۸ سال بعد که بزاگانه خویش بازگشت در حوزه علمیه قم به ادامه تحصیلات پرداخت، آشنائیش بزبان عربی موجب گردید تا علوم صرف و نحو و منطق و معانی بیان و کلام و تفسیر و دوره سطح فقه و اصول فقه را سریع‌تر از دیگر همسالان خود بیاموزد و ادب فارسی را که آمیخته با زبان عرب است بهتر پذیرا شود.

در سال ۱۳۲۸ که حضرت آیت‌اله بروجرودی در قم مستقر شدند فرصت مناسبی بود که برای شروع درس خارج " دوره اجتهاد " از محضر معظم له مستفیض شود و فقه و اصول را تلمذ نماید. همزمان، با حضور در مجالس درس حضرات آیات: حاج سید محمد تقی خوانساری، حاج سید احمد خوانساری، پدر خویش، و حاج سید محمد صادق روحانی و جمعی از فقها و مجتهدین و فلاسفه و اعاظم حوزه علمیه قم بر دامنه اطلاعات و معلومات خود بیفزاید و چندی در نجف با شاگردی استاد برک و فیلسوف شرق حاج شیخ صدرا، حکمت و فلسفه را بیاموزد. روحانی در سال ۱۳۳۴ جزء مدرسین سطح حوزه قم محسوب میشد و شاگردان زیادی را در رشته ادبیات و فقه و اصول بنویه خود تربیت کرده که هم اکنون از موجهین علماء و ائمه جماعت تهران بشمار میروند و به این سابقه مباحثات میکنند. ناگفته نماند که روحانی در سال ۱۳۳۷ از مراجع تقلید قم و نجف درجه " اجتهاد " دریافت داشته و بزبانهای عربی و فرانسه سخن میراند و مینویسد و با زبان انگلیسی نا آشنا نیست. از سال ۱۳۳۸ به بعد، روحانی در اروپا مستقر گردید.

سید مهدی روحانی تحصیلات عالیہ دانشگاهی را در دیژون "فرانسه" تمام کرد و در رشته حقوق دانشنامه لیسانس گرفت و رساله خود را درباره "جزا" تدوین کرد، سپس به تحقیق و بررسی‌های فلسفی و علمی خود در دانشگاه سوربن ادامه داد و در سال ۱۳۴۵ از دانشگاه سوربن "پاریس" باخذ درجه دکترا نائل آمد و تز خویش را زیر عنوان "جبر و اختیار" نوشت که مورد تحسین شورای عالی دانشگاه قرار گرفت. دکتر سید مهدی روحانی تا کنون علاوه بر یک صد مقاله و گزارش که در مطبوعات شرق و غرب نگاشته و طی آنها به تمدن و فرهنگ اسلامی - مفاهیم قرآن - معانی تشیع و تسنن - تشیع و وحدت اسلامی اشاره کرده در رسانه‌های گروهی بویژه تلویزیونهای کشورهای ایتالیا (رای) انگلستان (بی بی سی) آمریکا (آبی سی) بلژیک (ارت ال بیژ) روسیه، سوئیس، کانادا، مونت کارلو، فرانسه (ت اف ان) (آنتن دو) (فار ۳) عقاید و افکار خویش را بیان داشته و گزارشگران این رسانه‌ها با او در زمینه افکار و عقاید و فرهنگ شیعه - نقش قرآن در زندگی انسان - آیا اسلام طالب تروریسم است؟ آیا مسلمان باید مستضعف باشد؟ چرا انقلاب ایران منحرف شد؟ آینده جمهوری اسلامی چیست، بگفت و شنود نشسته است.

دکتر روحانی تنها باین مطلب اکتفا نکرده که خبرنگاران و نویسندگان برای دریافت تعالیم قرآن و مفاهیم تشیع و نقش اسلام در جهان امروز، بسراغ او بیایند، بلکه برای گسترش دامنه فرهنگ اسلامی خود نیز دعوت مجامع علمی و دینی را پذیرفته و سفرهایی بچهار گوشه دنیا کرده است: شرکت در بیست و پنجمین گنگره مستشرقین (۱۹۶۱) در اتحاد جماهیر شوروی (مسکو) شرکت در بیست و هفتمین گنگره مستشرقین (۱۹۶۴) در ایالات متحده آمریکا (سانفراسیسگو) از آن جمله است. روحانی در سال ۱۹۶۲ برای دیدار با سران ملیون الجزایر به تونس و در سال ۱۹۶۵ به دعوت انجمن ادبی لبنان و ایراد سخن به آن کشور و در سال ۱۹۷۳ بدعوت سازمان (خواجه شیعه اثنی عشری) به افریقا رفته است. و در هر یک از این سفرها اندیشه‌های اسلام را تشریح کرده است.

جای گفتن دارد که دکتر سید مهدی روحانی با شخصیت‌های مهم مذهبی و علمی و سیاسی جهان: چون پاپ اعظم (ژال پل ششم) رهبر کاتولیکهای جهان گپلان خاخام بزرگ یهود، مفتی اعظم الجزائر - مفتی اعظم تونس - قراز رئیس رابطه العالم الاسلامی در (مکه) و گاردینال معوشی رهبر کاتولیکهای لبنان ملاقاتهایی صورت داد و با شخصیت‌های سیاسی چون ملک فیضل (عربستان سعودی) جعفر نمیری (سودان) احمد بن بلا (الجزائر) ژاک شیراک (فرانسه) ما گاری اوس رئیس جمهوری (قبرس) و بوتو رئیس جمهوری پیشین (پاکستان) از نزدیک مذاکره و روابط دوستانه داشته است.

در سال ۱۳۳۸ سید مهدی روحانی با عنوان نماینده مذهبی ایران با پیشنهاد مراجع تقلید و تصویب دولت به اروپا می‌آید همزمان با او نظارت بر سازمانهای مذهبی و اجتماعی در (لبنان) به علامه موسی صدر در

(اندونزی) به استاد شیخ محمد حسین جعفری در (آفریقا) به سید مصطفی امامزاده و در (آلمان) هامبورگ به دکتر سید محمد بهشتی، و در (آمریکا) به استاد حاج شیخ مهدی حائری محول میگردد تا وظایف ملی و مذهبی خود را به انجام برسانند. دکتر روحانی چنان با علاقه و جدیت بکار می‌پردازد و چنان نیروی خود را در راه تحقق آرمانهای خویش بکار میگیرد که در اندک زمان شهرتی بسزا می‌یابد و مرجع و ملجائی برای جویندگان راه حقیقت میگردد، و از اکناف و اطراف بمنظور آگاهی‌های دینی و حل و فصل مسائل و مشکلات اسلامی به او روی میکنند. لازم بیاد آوری است که در شهر پاریس، دو میلیون مسلمان متعصب مذهبی زندگی میکنند و اکثریت قاطع این جمعیت را اهل تسنن تشکیل میدهد و سخت پای بند فرائض دینی و سنتهای مذهبی خود می‌باشند مع الوصف برای اولین بار در تاریخ روابط تشیع و اهل تسنن سازمانهای اسلامی و مذهبی پاریس به اتفاق آرا، دکتر روحانی را بعنوان امام جمعه پاریس برگزیدند و با اقتدا به یک امام شیعه مذهب فریضه نماز جمعه را انجام میدادند. دکتر روحانی از طرفداران بلکه از بنیانگذاران طرح دوستی اسلام و مسیحیت است تا بدانجا که واتیکان دربار رهبر کاتولیکهای جهان به او مدال طلا میدهد و سن لازار او را باعطای نشان فرماندهی صلح ممتاز میکند.

"نقش روحانی" اعتراف واتیکان بتوحید اسلام

در سال ۱۹۶۶ هنگامی که انجمن مذهبی همگانی در واتیکان تشکیل شده بود و در راه رفع اختلاف و نزدیکی بین شعبه‌های مختلف ترسائی میکوشید دکتر سید مهدی روحانی نامه سربازی که در مطبوعات بفراوانی منعکس است، به دبیر گل انجمن فرستاد و در زمینه اشتراک و همزیستی مسالمت آمیز اسلام و مسیحیت پیشنهادهائی ارائه کرد و نوشت: "مساعی اهل کتاب باید یک کاسه و هم آهنگ شود تا در مقابل سیل بنیان کن، بیدینی و ماده پرستی سدی سدید کشید. و از ضربت‌های خطیر آنها بدین و فضائل اخلاقی که پیغمبران و کتابهای آسمانی بما بودیعه داده‌اند جلوگیری بعمل آید... از آنجائیکه نظری جز مساعدت و همکاری برای بهبود این روابط نداریم بخود اجازه میدهیم توجه شورای عالی مذهبی همگانی را بنگاتی چند جلب نمایم که در روابط ترسائی و مسلمانی خالی از اهمیت نیست پیشنهاد اساسی روحانی این بود که توحید اسلام در این شورا مورد بررسی قرار گیرد.

بجاست یادآور شویم پیش از تشکیل این شورا کلیسای کاتولیک درباره توحید اسلام دچار شک و تردید بود "الله" را معبودی که مخلوق فکر "محمد" است میدانست و بحقانیت و اصالت توحید اسلامی اعتراف نمیکرد. پیشنهاد دکتر روحانی مورد پذیرش قرار گرفت و واتیکان اعلام کرد "نه تنها محتوای این پیام مورد قبول پاپ اعظم واقع گردید، بلکه دبیرخانه شورای همگانی را مامور کرد تا از تمامی امکانات خود بمنظور عملی ساختن

طرح پیشنهادی بهره گیرد... بهمین خاطر طرح پیشنهادی پس از بررسی‌های همه جانبه در شورای کلیساها که مرکب از ۱۵۰۰ اسقف بود، مورد تصویب قرار گرفت و پاپ اعظم آنرا توشیح کرد. و در پایان بین رهبر شیعیان اروپا و پاپ اعظم رهبر کاتولیکهای جهان در واتیکان با حضور نمایندگان مطبوعات دیدار رسمی با تشریفات خاص صورت گرفت.

در تاریخ اسلام و مسیحیت این نخستین بار بود که یک روحانی مسلمان شیعه با پیشوای کاتولیکهای جهان ملاقات و مذاکرات رسمی میکرد. و در این دیدار پاپ منشور شورای مذهبی همگانی را که بر آن مهر تأیید زده شده و در مجموعه احکام پاپ‌ها بعنوان یک فتوای تاریخی ثبت گردیده بود تسلیم دکتر مهدی روحانی کرد: این منشور شامل سه اصل کلی است:

- ۱- مسلمانان معبود یکتا را پرستش میکنند و از شرک برکنارند.
- ۲- مسلمانان روز رستاخیز را باور دارند آنروز را چون مسیحیان روز "جزا" میدانند.

- ۳- بی احترامی به اسلام و پیامبران بر پیروان مسیح جایز نیست.

این رویداد تاریخی در بیشتر مطبوعات وقت نشر یافت و روزنامه لوموند در شماره ۵۵۵۴ بتاريخ ۲۴ نوامبر ۱۹۶۶ به مجموع این تصمیمات اشاره کرده است. تشکیل جمعیت "اتحاد اسلام و مسیحیت" در فرانسه در سال ۱۹۶۷ با یاری هانری سیمون عضو فرهنگستان فرانسه و پروفیسور محمد حمدالله و گروهی دیگر از استادان دانشگاه سوربن صورت گرفت و بپاس این خدمت جبهه متفق مطبوعات ضیافتی بافتخار رهبر شیعیان اروپا ترتیب داد تا از تفاهم حاصله و هدف‌های اساسی این اقدام آگاه شود.

دکتر روحانی خود میگوید: "تشکیل جمعیت اتحاد اسلام و مسیحیت کمک شایانی به پیشرفت اسلام در مغرب زمین کرد زیرا طی مجالسی که با حضور عده زیادی بویژه جوانان درس خوانده و روشنفکر تشکیل شد سخنرانان جلسه اعم از مسیحی یا مسلمان که جملگی از شخصیت‌های علمی یا فرهنگی و مذهبی بودند سعی داشتند از دید خود آئین خویش را تشریح و توجیه نمایند. مهم اینکه قضاوت و داوری درباره ارزش‌های مفاهیم اسلام و معیارهای اعتقادی مسیحیت بعهدہ صاحبان تحقیق و اهل نظر نهاده میشد. این شیوه دو سود داشت یکی اینکه مجال میداد بطور آزاد و فارغ از قیود در اجتماعات به تشریح معارف اسلامی بپردازیم دوم آنکه مفاهیم رسا و پر بار اسلامی را با معیارهای کلیسای کاتولیک قیاس کنیم... ثمره چشمگیر این مباحثات تشریف ۷۱۴ تن غیر مسلمان به آئین اسلام میباشند که اسامی و مشخصات آنها در دبیرخانه رهبری شیعیان اروپا نگهداری میشود.

ooooo

دکتر سید مهدی روحانی در آوریل سال ۱۹۸۰ نخستین شماره از دوره جدید مجله "بینش اسلام" را که در تداوم همان مجله افکار شیعه میباشد بدو زبان فارسی و فرانسوی در پاریس انتشار داد که اساتیدی

چون لوئی ماسینیون، هانری ماسه (از فرانسه) شامل (از آلمان) محمد حمدالله (از هند) او را در این کار یاری می‌دادند. آغاز انتشار مجله "افکار شیعه" را در پاریس باید از سال ۱۳۳۸ دانست که پس از چهار سال فعالیت بعثت مخالفت دولت وقت ایران با ناشر آن به تعطیل گرائید. آخرین شماره مجله بینش اسلام در چهل صفحه در ماه ژانویه سال جاری ۱۹۸۴ مسیحی نشر و پخش گردیده است.

یکی از اقدامات مفید آیت‌الله روحانی ترجمه و تفسیر کتاب "الجمال" اثر "شیخ مفید" از زبان عربی بزبان فرانسه است که بدر خواست دانشگاه سوربن انجام پذیرفته و "پروفسور روبر برانشویک" رئیس گرسی تاریخ ادیان دانشگاه سوربن پاریس بر آن مقدمه نوشته است.

کتاب پیروزی بصره یا "الجمال" یکی از با ارزش‌ترین اسناد شیعه بشمار می‌رود که با استدلال و منطق مقام ولایت را به ثبوت رسانده و بیش از هزار سال از عمر آن می‌گذرد، ترجمه و نشر این اثر "به نوشته دانشگاه سوربن و نیس" موجب گردید حساری که بین معارف روحی شیعه و دنیای غرب وجود داشت از میان برداشته شود. این کتاب تنها یک شرح تاریخی نیست بلکه یک اثر مفید و مستند و یگانه است.

زندگانی سیاسی رهبر شیعیان

دکتر روحانی از آغاز جوانی در مسائل سیاسی و اجتماعی سری پر شور داشت. در سال ۱۳۳۵ سازمان اتحادیه طلاب علوم دینی را در قم بوجود آورد که تدریجا "دارای سیصد عضو فعال شد و اکثریت روحانیون جوان حوزه علمیه قم را در بر گرفت. همین سازمان بود که پس از واقعه سیم تیرماه و سقوط حکومت قوام السلطنه بزرگترین مجلس یادبود را "در حوزه علمیه قم" بمنظور بزرگداشت جانبازان راه استقلال وطن و باشرکت آیات قم و عده‌ای از اعضاء جبهه ملی برپا کرد. در آن ایام نفوذ روحانی در حوزه علمیه قم به اعتبار آیات عظام حاج محمدتقی خوانساری و حاج میرزا محمود روحانی بود که با صدور فتوایی همانند مبارزه ملت ایران و قطع آبادی شرکت غاصب نفت و نهضت ملی شدن صنایع نفتی را در ایران تشویق و تأیید میکردند. رهبر شیعیان اروپا به انفکاک دین از حکومت اعتقاد ندارد و آنرا یک تز استعماری می‌شناسد، وی بر این باور است که در چهار چوب قانون اساسی کشور که تصویب آن منوط بحاکمیت ملی و اراده ملت مسلمان ایرانست، هر کس در هر مقام و در هر لباس، وظیفه دارد دانش و بینش خویش را در راه سعادت مردم و نیک بختی جامعه بکار بندد. خود خواهی و انحصار طلبی عده‌یی نمیتواند در قلمرو قوانینی که با آراء ملت شکل گرفته نفوذ نماید. و در برابر قانون همه طبقات و جوامع در هر لباس و هر گسوت و در هر مقام و مرتبه مساوی هستند. آیت‌الله روحانی تضاد بین این دو نیرو را منشاء بروز

هرج و مرج و از هم پاشیده گی وحدت ملی می پندارد. این طرز تفکر، فکر دیروز و امروز وی نیست، بلکه متعلق به آغاز جوانی او است. بر اساس همین داوری است که در اواخر سال ۱۳۳۱ روزهائی که روابط بین آیتاله گاشانی و دکتر مصدق بسردی گرائیده بود، بدرخواست آیتاله گاشانی دکتر روحانی با مرحوم دکتر مصدق ملاقات و مذاکره کرد تا این حقیقت را برهبر ملی کشور که او را خوب میشناخت یادآور شود. باز می بینیم از فروردین ۱۳۴۲ تا مردادماه آن سال بدرخواست مراجع قم و نجف بشهادت مطبوعات تهران روحانی چهار بار با شاه ملاقات و مذاکره کرد، و هر بار گوشید به او بقبولاند که قدرت و عظمت ایران مشروط به نزدیکی و هم آهنگی روحانیت و حکومت است. ولی شاه غرق غرور بود و خود را مافوق همه چیز و همه کس می پنداشت متأسفانه در آخرین ملاقات شاه از صراحت بیان دکتر روحانی سخت رنجیده خاطر شد و او را یک متعصب مذهبی خواند و آنگاه نامه ای به امضاء رئیس دفتر خود مورخه ۴۲/۵/۱۹ بوی نوشت که با این جمله از این پس دیگر بعدها هیچ سمت و حسابی در اروپا نخواهید داشت.

(متن این نامه در مجله بینش اسلام شماره ۴ انتشار یافته است) — مهر ختم بر فعالیتها و نمایندگی مذهبی ایران در اروپا زد.

از آن سال شاه دیگر اسمی از دکتر روحانی نیاورد تنها در سال ۱۳۵۳ یک بار اسم او را آورد آن زمانی بود که شخصا " او را محکوم نمود و گفت این سید علیه استقلال مملکت توطئه میکند چرا جلو او را نمیگیرند. این یک ادعای بدون سند و مدرک نیست بلکه مستند و متکی به یادداشتهای وزارت خارجه جمهوری اسلامی است. در یادداشتهای وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران منتشره کیهان شماره ۱۱۰۵۷ مورخه سه شعبه ۷ مردادماه ۱۳۵۹ صفحه ۱۲ ستون ۳ خط ۵۲ به نقل از سند ۵۳/۷/۲۲/۸۸۹۹ سازمان اطلاعات کشور چنین آمده است: " اعلیحضرت... امروز والا حضرت شاهپور غلامرضا را احضار و فرمودند چرا جلو این سید (سید مهدی روحانی) را نمیگیرند او با عراقیها در تماس است و علیه استقلال مملکت توطئه میکند.

آنچه درباره رهبر شیعیان اروپا میتوان گفت این است: او مردی است با ذکاوت، متین، صدیق، راستگو و دارای افکار بلند. با پیروی از همین طرز تفکر بود که هر لحظه دریافت منافع جامعه در خطر است و مردم مورد تجاوز قرار گرفته اند با شهادت قدبرافراشت. چه در گذشته و چه در حال حاضر اینک اگر با رژیم خود گامه دولتمردان حاکم بر ایران از همان آغاز به مخالفت برخاسته صرفاً " بهمین خاطر است که آنها مخالف مصالح عامه تشخیص داده و اقدامات آنها را بسود جامعه مسلمانان نمیداند. اعتدال و میانه روی از خصائص بارز او است. به همین پایه است که از روز آغاز جنگ ایران و عراق اولاً " عراق را محکوم میکند و آنگاه بر رئیس جمهوری فرانسه رئیس کارگزار دستن بمنظور وساطت بین ایران و عراق تلگرام میزند و یا با مطبوعات مصاحبه میکند و رژیم حاکم بر ایران را از اقداماتی که مغایر شرع و مصالح ملی است بر حذر میدارد.....

متن تلگرام

از رهبر شیعیان اروپا به والری زیسگار دستن رئیس جمهوری فرانسه

حضرت والری زیسگار دستن

رئیس جمهوری فرانسه - پاریس - کاخ الیزه

بانگيرمي ايمان بآرمانهای اسلامی که الهام بخش احساسات نوعدوستی و صلح طلبی ست بحضرت شما یادآور ميشود:

وجود حسن تفاهم و روابط حسنه فیما بین کشور فرانسه و دو کشور ایران و عراق ايجاب مينمايد تا آنحضرت از نفوذ و اعتبار قابل ملاحظه‌ای که در این هر دو کشور از آن برخوردار هستيد استفاده نموده، تصمیمی اتخاذ فرمائيد تا نافرمانی ملتبهی جنگ و برادرکشی که به تنها کشورهای ایران و عراق را به ويرانی میکشاند بلکه صلح عمومی را بمخاطره ميندازد با حسن نية و وساطت آنحضرت بخاموشی گرايد. فعلا" از توجه مخصوصی که بخاطر انساندوستی و حفظ صلح عمومی که در معرض تهديد قرار گرفته به این پیشنهاد ميفرمائيد. بنام رهبر شیعیان اروپا صميمانه از آنحضرت تشکر ميکنم.

پاریس - سيد مهدي روحانی

این پیشنهاد در محافل خبری و سیاسی فرانسه و سایر کشورها حسن اثر بخشيد و بازتاب گسترده‌ای داشت.

متن تلگرام در روز ۲۲ سپتامبر وسيله (ايبومروزی) مفسر تلویزیون فرانسه بعنوان بعنوان یکی از روی دادهای مهم ۲۴ ساعت اخير انتشار يافت.

در همانروز ب درخواست زنجيری ۲ تلویزیون رهبر شیعیان اروپا از مفاد تلگرامی که بر رئیس جمهوری فرانسه مخابره کرده بود هگان را آگاه نمود.

آنگاه به چند پرسش گزارشگر تلویزیون فرانسه جواب گفت. در جواب اینکه آیا مخالفین رژیم ایران در صدد خواهند بود از فرصت استفاده نموده رژیم فعلی ایران را ساقط نمایند؟

آيت اله روحانی گفت:

آنچه مسلم است کشور ما دوران سخت و مشکلی را ميگذراند، اکنونهم درگیر یک جنگ واقعی است. در شرائط فعلی هر کس به این مسئله باندیشد به مملکت خیانت کرده است.

باور ندارم مخالفین رژیم فعلی باین درجه از بینش سیاسی و شعور اجتماعی بدور باشند.

سؤال - بنظر شما در آینده نزدیک یک کودتا وسيله زرتالها و مخالفین در انتظار رژیم کنونی ایران نیست؟

جواب - دقیقا" نمیتوانم در این مورد اظهار نظر کنم.

آنچه به یقین نزدیک است هیچ رژیمی اندی نخواهد بود.

مصاحبه رهبر شیعیان با تلویزیون آمریکا

آيت الله دكتر مهدي روحانی که پاره‌ای از منابع خبری غرب از وی بعنوان رهبر شیعیان جهان یاد کرده‌اند و در پاریس با لیبرالهای مخالف رژیم خمینی همکاری میکند و نشریه بینش اسلامی را منتشر میسازد مصاحبه‌ای جالب و شنیدنی با تلویزیون آمریکا انجام داده که متن کامل آنرا با همدیگر مرور میکنیم....

xxx

- میگویند شما در آغاز رویدادهای ۷۹ با شخص خمینی همکاری داشتید. در این مورد چه نظری دارید؟

- بنده در مورد انقلاب از روز اول تماما " چون همه ایرانیان همگامی با انقلابیون داشتم و اما با شخص آقای خمینی چون از روز نخست ایشان را میشناختم و میدانستم مرد رهبری مملکت نیستند، بنابراین به هیچ عنوان ایشان را در پاریس ملاقات نکرده‌ام و هیچ وقت هم به نقش رهبری ایشان اعتقاد نداشته و ندارم..... ولی به انقلاب معتقد بوده‌ام.

— یعنی شما خمینی را عامل این حرکت یا انقلاب میدانید؟
— آقای خمینی به اعتقاد من، آنتن حرکتی بود در داخل مملکت، یعنی مردم مملکت انقلاب کرده بودند، برای بدست آوردن آزادی، اما هدف ملت ایران استقرار جمهوری اسلامی در ایران نبود، مردم میخواستند صاحب اختیار سرنوشت خودشان باشند، این حقیقتی است، بهمین جهت قیام کردند، در حقیقت آقای خمینی حرکت یا قیام را بوجود نیاورد، بلکه انقلابیون افراطی بودند، که آقای خمینی را که مردی تند و افراطی تشخیص دادند، او را در جلو و پیشاپیش انقلاب حرکت دادند. — در حقیقت آقای خمینی هنگامی هم که در پاریس بود، بیش از یک آنتن برای انقلاب نبودند.

او گوش میداد مردم داخل مملکت چه میگفتند و ایشان در پاریس همان حرفها را تکرار میکرد.

— با آشنائی که با خمینی دارید او را چگونه شخصی میدانید؟
— آقای خمینی مردیست دو چهره، یک چهره قبل از انقلاب و یک چهره بعد از انقلاب، چهره قبل از رسیدن به قدرت و بعد از رسیدن به قدرت... روزیکه به قدرت نرسیده بود، چهرهای آرام داشت یک مرد روحانی بود، و روزی که به قدرت رسید به تمام معنی کلمه چهره‌اش عوض شد و تبدیل شد بیک مرد دیکتاتوری که پابند هیچ اصلی از اصول نیست. — فرضی بکنیم که امروز خمینی بمیرد آینده ایران چه خواهد بود؟
— بنظر من باید ما خودمان را از امروز آماده کنیم، برای تشکیل یک هیئت رهبری دسته جمعی که بتواند مسئولیت داشته باشد و فراگیر باشد. بتواند جناحهای مختلف همه را دربر بگیرند.
این شورای رهبری فردا میتواند خلائی را که با رفتن خمینی بوجود میآید، پر کند.

البته به عرضتان برسانم که روحانیون غیر دولتی وجود دارند که ۹۰ در صد یا ۹۵ در صد روحانیون واقعی را تشکیل میدهند و مخالف رژیم خمینی هستند و با طبقات مختلف مربوطند، اینها کسانی هستند که باید فردا با این شورا همکاری کنند و بلافاصله یک رفراندوم سراسری صورت بگیرد.

— سید خامنه‌ای و رفسنجانی را چه عناصری میبینید؟
— اینها کارشان را بلد نیستند آقای خامنه‌ای یک گوینده خوبی است ولی رئیس جمهور خوبی نیست.
آقای رفسنجانی یک منبرنشین خوبی است، اما او نمیتواند رئیس مجلس خوبی باشد.

— شما چه نظامی را میپسندید؟
— من نمیتوانم بگویم، جمهوری خواه هستم یا سلطنت طلب، مردم به جمهوری در مملکت رای داده‌اند، و این رای محترم است، من از کسانی هستم که در روز انتخابات رای داده‌ام.
اما امروز معتقدم در مملکت ما یک رفراندوم سراسری پس از سقوط

خمینی لازم است. چون مردم از این جمهوری سر خورده‌اند. گرفتاری مملکت ما دیروز و امروز یک چیز است، آنچه که ما گرفتارش هستیم، گرفتاری حکمرانانی است که به قوانین مملکت خیانت کرده‌اند. برای مملکت ما قانون اساسی ۱۹۰۶ میتواند قانون باشد، اگر اجرا شود، گرفتاری ما سر مجریان قانون است.

— شما شخص "شاه" را چگونه فردی میدانید؟

— شاه سابق آدم بدی نبود، او محصور اطرافیانی شد که بکلی او را از مردم جدا ساختند، روزهای آخر میان او و مردم هیچگونه ارتباطی وجود نداشت، خطری بود که یکسال پیش از انقلاب در تهران اعلام کردم... شاه ذاتاً "مسلمان بود و دلش میخواست خدمتی بکند، ولی منحرفش کردند.

— شما فکر میکنید مجاهدین آلترناتیو هستند؟

— وضع مملکت به نحوی است که کسی نمیتواند بگوید من آلترناتیو هستم، نه سلطنت طلبان، نه جمهوری خواهان، نه مجاهدین نه نیروهای دیگر. مملکت ما در شرایطی قرار گرفته که باید همه گروهها دست بدست هم بدهند، و نظم را بعد از خمینی برقرار کنند، و حتماً باید به توافق برسند.

نه گروهی حق دارد و نه ملت قبولش میکند که به تنهایی مدعی شود میتواند مملکت را نجات بدهد.

— شما رضا پهلوی را بعنوان وارث تاج و تخت میشناسید؟

— نه نمیشناسم، حرف ما همین است، اما رضا پهلوی گناهی نکرده، کاری نکرده، جوانیست که میخواهد مثل همه خدمت کند، من معتقدم که سلطنت طلب هم وجود دارد، اما باید تابع مقررات داخل مملکت و مقررات بین المللی باشیم. دیروز در مملکت رفتار دوم شد و با همان ملاک که رضاشاه آمد، و به سلطنت رسید به همان ملاک هم مراجعه به آراء عمومی شد و مردم جمهوری خواستند، از آن گذشته سازمان ملل این رژیم را به رسمیت شناخته، کشورهای بزرگ با (با آنها) مبادله سفیر کرده‌اند، جمهوریت به رسمیت شناخته شده و چطور میتوانیم بگوئیم هنوز "شاه" داریم!!

اما رضا پهلوی کاری نکرده، اگر محاصره‌اش نکنند و با آنهائی که مفسد هستند همنشین نشود، این جوان میتواند در آینده مثل هرایرانی شانس داشته باشد، آن هم پس از رفتار دوم... امروز هیچ قانون دانی نمیتواند این ادعا را بکند که ما "شاه" داریم.

— چرا اپوزیسیون راه انداخته‌اید؟

— اساس حرکت ما بر محور مبارزه با آنهائی است که قانون شکن هستند، دیروز هم حرفمان همین بود.

ما مبارزه‌مان با حاکمان روز است، نه با قانون، ما خائنین قانون را میخواهیم دستشان را کوتاه کنیم، حرف من در یک جمله خلاصه میشود، در مملکت ما قانون کم نداریم، اما آدم نداریم، مجریان قانون نداشته و نداریم.

متن مصاحبه آیت‌الله روحانی با مجله لاوی

آیا روش رژیم خمینی با معیارهای تشیع انطباق دارد؟

این سؤالی است که مهدی روحانی، رهبر جامعه شیعیان اروپا آنرا مطرح می‌سازد. به عقیده روحانی، قرآن و پیامبر ترور را محکوم می‌کنند و جنگ‌هایی که آیت‌الله به آن دست زده است جنگ‌های مقدس نیستند.

xxxx

مردی که ما را در آپارتمان بسیار بزرگ خود در پاریس پذیرفت، یکی از "دکترهای حقوق اسلامی" عالیت‌ترین مقام در شیعه ایرانی است. آیت‌الله مهدی روحانی که ۴۹ سال دارد، توسط مقامات بلند مذهبی شیعه که هم‌پایه او می‌باشند، به رهبری شیعیان اروپا انتخاب شده است که شمار آنها را در اروپا ۵۰۰/۰۰۰ نفر برآورد میکند. او در شهر قم، شهر مقدس ایران زاده شده، در همین شهر بزرگ شده و در همانجا، در معیت آیت‌الله خمینی که با وی پیوندهای خانوادگی متعدد دارد، به فراگیری اسلام و حقوق اسلامی پرداخت.

آیت‌الله مهدی روحانی، به خلاف فامیل نزدیک خود، تفاهم میان ملت‌ها را تبلیغ و سنایش میکند. او عضو کانون "برادری ابراهیم" است که در فرانسه، کلیه مقامات مذهبی، اعم از مسیحی، یهودی و مسلمان، در آن گرد هم جمع آمده‌اند. او از رژیم جمهوری اسلامی در ایران طرفداری میکند ولی به آیت‌الله خمینی ایراد می‌گیرد که بر خلاف سنت پیامبر اسلام بطور "افراطی" از نام جمهوری اسلامی سوء استفاده میکند بعد از توطئه‌های انتحاری، در بیروت و کویت، بعد از آن که چتربازان فرانسوی عضو نیروهای چند ملیتی، بطور تقریباً روزانه هدف شلیک قرار گرفته و قربانی میشوند، ایران و یک جناح رادیکال از جامعه شیعیان لبنان، بنام، مورد اتهام قرار گرفتند. در همین زمینه است که آیت‌الله مهدی روحانی، ضمن مصاحبه‌ای اختصاصی با خوانندگان مجله "لاوی" سخن می‌گوید:

مخبر - در لبنان، آمریکائی‌ها و فرانسویهای عضو نیروهای چند ملیتی، هدف توطئه‌های مرگباری قرار گرفته‌اند که بنظر میرسد جامعه شیعیان در آن دست دارد. دلیل این دشمنی چیست؟

آیت‌المصاین یک مسئله سیاسی و اجتماعی است و نه مذهبی. من خشونت را از هر کجا که ناشی شود، ایالات متحده آمریکا، فرانسه یا کماندوهای انتحاری، محکوم میکنم. اما اختلاف بر سر یک پدیده زودگذر و یک جنگ مذهبی در میان نیست. موضوع دیگری در میان است صحبت از یک خلق ستمکشیده و قدرت‌های بزرگ مطرح است. اگر قدرت‌های بزرگ ادعا می‌کنند بر خانواده‌ها، ملت‌ها و کشورهای خاورمیانه، حق پدری داشته یا حمایت از آنها بر عهده ایشان است، باید با همه به طور یکسان و برابر رفتار نمایند اگر ایالات متحده آمریکا از ستمگر پشتیبانی کند طبعاً "تبلوری است از شیطان بزرگ" و آن وقت است که میبینیم کامیون‌های ملو از مواد منفجره به سفارتخانه‌های آن کشور حمله مینمایند. جوانان امروزه می‌بینند که مورد ستم قرار گرفته‌اند و امکانات رقابت با تکنیک غرب را ندارند. آنوقت بخود میگویند: "که جز زندگی چیزی نداریم، دست کم آن را فدای ضربه زدن به کسانی کنیم که به ما ضربه زده‌اند: "دیروز نوبت لبنان و کویت بود و می‌ترسم که فردا نوبه همه جهان باشد. (۱).

مخبر - در اساس شما، عمل تروریست‌ها را موجه میدانید. آیت‌اله - نه، بهیچ وجه. من همان اندازه که عمل ایالات متحده آمریکا را در پشتیبانی از ستمروایان خاورمیانه محکوم میکنم، عمل تروریست‌ها را نیز محکوم مینمایم. اما این واکنش خود انگیزه عاملی است که خود را، قربانی حس میکند. اما این به معنای آن نیست که من آن را به حق بشناسم. اگر دو نفر در ملاء عام با یکدیگر به زد و خورد بپردازند، هر دو محکوم‌اند. اما مسئولیت کسی که دعوا را شروع کرده است، بیشتر است.

مخبر - بعقیده شما، ایالات متحده آمریکا، از چه نظر ستمگر است؟ آیت‌اله - آنها به وظیفه‌ی خود در قبال خلق فلسطین عمل نکردند. من برای امت موسی بعنوان یک ملت مؤمن احترام زیاد قائم. اما یهودگرایی یک چیز است و سیاستی که فعلاً "دولت اسرائیل از آن پیروی میکند، یک چیز دیگر، در خاورمیانه، همه حق زندگی و حیات در صلح و آرامش دارند. فلسطینیها نیز حق موجودیت دارند.

مخبر - شما به نام چه، اعمال تروریستی را محکوم میکنید؟ بنام مذهب؟ آیت‌اله - ترور در اسلام مطلقاً "منوع است. قرآن و سنت پیامبر مطلقاً آن را رد میکنند. سنت شیعه نیز، با تعالیم امامان دوازدهگانه آن را رد میکند. مخبر - بر عکس آیت‌الله، در سنت خشونت وجود دارد! مگر امامان علیه خلفای "سنی" سر به شورش برداشتند؟

آیت‌اله - باید میان ترور و قیام‌های حق طلبانه تفاوت قائل شد. زمانی که امام ما علیه خلیفه وقت قیام کرد، و با او به جنگ پرداخت. تخم کین و ترور نیافشاند. مثالی برای شما بزنم: در سال ۶۱ هجری، حسین امام سوم، پسر عم خود را به کوفه واقع در عراق فرستاد تا با ابن زیاد رقیب وی که مردی بسیار مقتدر و نماینده خلیفه مذاکره کنند. قبل از برگزاری مذاکره قبل از این مذاکرات که در خانه یک شخصیت شیعی صورت گرفت میزبان به پسر عم امام گفت: یک شمشیر بردارید و پشت این پرده پنهان

شوید و حاکم را ضمن مذاکرات از پای درآورید . به این ترتیب ما جنگ را خواهیم برد . اما پسر عم امام بلافاصله پاسخ داد : " در سنت پیامبر ترور مطلقاً منع شده است . امروزه ، آنچه که در لبنان و کویت میگذرد ، یک واکنش محکوم است . اما این ، بهر حال یک واکنش است و باید دلیل اصلی آن را جستجو نمود .

مخبر - فکر میکنید ، رانندگانی از جان گذشته این کامیونهای انتحاری ، تحت تاثیر ایمان مذهبی خود دست به این کار میزنند ؟
آیت‌اله - همه اینها آنطور که غالباً گفته میشود ، فکر نمیکنند ، به بهشت خواهند رفت همهی آنها با انگیزه ایمان مذهبی دست به این کار نمی‌زنند و من به سهم خود از همین امر میترسم . این آن چیزی نیست که من آن را ایمان مومن بنامم . وانگهی در میان کسانی که خود را قربانی میکنند ، بدون شک ، کمونیستها نیز وجود دارند . اگر آنها ایمان میداشتند ، میتوانستیم به آنها بگوئیم : این اسلام یک چنین چیزی را اجازه نمیدهد .

مخبر - آیا جنگ مرگباری که بیش از سه سال است میان عراق و ایران (دو کشور دارای اکثریت شیعه) جریان دارد ، یک جنگ مقدس است ؟
آیت‌اله - عراق ، در آغاز ، با حمله به ایران ، مرتکب یک جنایت شد . اما از زمانی که عراق اعلام نمود ، تصمیم دارد از خاک ایران عقب نشینی نموده و خسارات جنگی ایران را به آن کشور پرداخت نماید ، یک رژیم اسلامی ، می‌بایست این پیشنهاد صلح را میپذیرفت . قرآن در این زمینه صراحت دارد : هر بار که میان دو برادر مسلمان جنگ درگیر میشود ، کشورهای دیگر اسلامی ، باید برای برقراری صلح از هیچ کوششی فروگذار ننمایند . " در حالیکه رژیم خمینی حاضر به قبول میانجیگری دیگر کشورهای اسلامی نشد . در حالیکه زمان این امر فرا رسیده است . از نظر من ، اینکه سربازی که کشته میشود ، ایرانی است یا عراقی ، اهمیتی ندارد . همهی آنها فرزندان عزیز ما هستند .

مخبر - میگوئید " فرزندان عزیز " چون در هر دو جبهه ، بسیاری از کسانی که کشته میشوند شیعی هستند ؟

آیت‌اله - از نظر من ، کلیهی مسلمانان ، برادران ما هستند . ارزش اسلام شیعه ، همان ارزش اسلام سنی است . کسی که به خدای یگانه اعتقاد دارد ، به محمد و رسول او و قرآن اعتقاد دارد ، یک مسلمان است . ایران و عراق بیک جنگ برادر کشی پرداخته‌اند .

وقتی ایران خود را ، در حالت جنگ با ایالات متحده آمریکا ، اعلام میکند ، وقتی ایرانیان فریاد برمی‌آورند : مرگ بر فرانسه " اینهم برادر کشی است .

آیت‌اله - نباید ، درگیریهای میان کشورها و اختلافات مذهبی را با هم مخلوط کرد . حق این نیست که به ایالات متحده آمریکا به دیده یک کشور ، غیر مذهبی نگریسته شود کسی حق ندارد ، بیک کشور اعلان جنگ بدهد ، حکومت مسیحی آن را دشمن بخواند ، چون آن کشور یک کشور مسلمان نیست . ما دیگر در دوران جنگهای صلیبی بسر نمی‌بریم .

مخبر - خون، مرگ، شهدا، همواره مقام اساسی در شیعه داشته‌اند. یا دست‌کم شیعه در غرب به این شکل، نگاه میشود. آیا این تصویر صحیحی است؟

آیت‌اله - مرگ "شهید" در اسلام سخت محترم است. اما این امر به شیعیان اختصاص ندارد. سنیان نیز آن را محترم میدانند. قرآن ارزش عظیمی برای کسی که در راه عدالت الهی و ایمان بخدا میمیرد قائل است. اما سوم، شهید شد چون علیه بی عدالتی به مقاومت پرداخت. روحانیت شیعه، از این فلسفه شورش و قیام علیه خلیفه خیلی استفاده کرده است. وقتی یک ایرانی جان خود را در راه عدالت فدا میکند، نه تنها این کار او مجاز است بلکه مورد تحسین هم قرار میگیرد؛ "وقتی بی عدالتی مشاهده میکنید، علیه آن، تا مرگ قیام کنید". این فرمان همواره محترم است.

مخبر - این فرمان در جنگ علیه عراق نیز مورد استفاده قرار گرفته است؛ ایران خردسال خود را بنام "شهادت" به صف اول جبهه گسیل میدهد. . .
- من این را نمی‌پذیرم. در این جنگ بیهوده و برادرکش، جایی برای اعمال قانون الهی یا عدالت اجتماعی نیست. . .

مخبر - در رانندگان از جان گذشته کامیون‌های انتحاری، کمی از این اراده به "شهادت" وجود ندارد؟

آیت‌اله - مسلماً وجود دارد اما باید آن را متوقف کرد. اما چه کسی میتواند آن را متوقف کند مسلماً ما نمی‌توانیم. این بعهده قدرت‌های بزرگ است که راه حلی پیدا کنند تا هر کس بتواند، در کشور خود از آزادی و استقلال بهره‌مند شود.

خلاصه مصاحبه‌ی رهبر شیعیان اروپا ۴ ژانویه ۱۹۸۴ با جریده لوموند چاپ پاریس

دکتر مهدی روحانی رهبر شیعیان اروپا اعلام میکند که
"ارهاب در اسلام بطور قاطع تحریم گردیده است"

و تأکید میکند که "نزدیک به هشتاد و پنج درصد شیعیان مقیم اروپا یعنی در حدود پانصد هزار مسلمان که صد و بیست تا صد و پنجاه هزار نفر آن در فرانسه اقامت دارند - از مخالفین مسلم رژیم خمینی میباشند." دکتر مهدی روحانی رهبر شیعیان اروپا که وظیفه امامت روحانی خود را از بیست سال پیش تا کنون ایفا میکند عدم توافق خویش را با رژیم تهران مکتوم نمیکند و میگوید

"راه آئین ما راه بخشندگی و مداراست نه راه قساوت و عداوت. چرا و بجه دلیل وسایل ارتباط جمعی آنچنان چهره‌ای از اسلام بجهان عرضه میکنند که همگان آن را به اکراه مینگرند و وخیم‌تر همگی از آن دچار رعب و وحشت شده‌اند؟ چگونه جهان غرب از کنار این واقعیت با احتیاط عبور میکند که اسلام ارهاب را در کلیه موارد محکوم کرده است. به عقیده دکتر روحانی رژیم کنونی تهران تهدیدی است نه تنها علیه خود ایران، خاورمیانه، دین اسلام و مذهب شیعه علیه کشورهای عربی بلکه تهدیدی است برای سراسر جهان. رژیم فعلاً حاکم بر ایران به یقین روزی موجب بروز جنگ جهانی خواهد گردید. بر اساس همین داوری است که دکتر روحانی تسامح ابر قدرت‌ها و مطبوعات بین‌المللی را نسبت به این قدرت که بدون شک از صراط مستقیم انحراف یافته مورد پرسش قرار میدهد."

به نظر رهبر شیعیان اروپا عنوان جهاد - یا جنگ مقدس بدان صورت که در کلام الله مجید تصریح شده هرگز بر جنگ ایران و عراق و سایر اعمال عنیف رژیم تهران بهیچوجه شمول نمییابد.

"کتاب آسمانی ما هرگز استعمال اسلحه یا اغتصاب و قهر را علیه کسانی که حاضر به قبول اسلام نیستند مجاز نساخته. استعمال سلاح موقعی تجویز گردیده که اسلام مورد تهدید مستقیم و آنی قرار گرفته باشد. ولی امروز هیچ چیز و هیچ کس اسلام را تهدید نکرده و هیچگونه بهانه و برهانی جنگ و برادرکشی عراق و میهن‌مرا که سه سال از آغاز آن میگذرد توجیه نمیکند. حتی بفرض محال اگر هم ایران منشاء فلان یا بهمان اعمال ارهابی باشد مطلبی که حتی طرح آن نیز بیمورد و نابجاست استعمال روش‌هایی که مصراً مورد تحریم مذهب ما قرار گرفته قابل توجیه نمی‌تواند باشد."

به عقیده این مذهبی معتقد - که خود را ضد رژیم تهران میدانند ولی در عین حال طرفدار بی چون و چرای انقلاب است - مسلم است که ایرانیان مورد ایداء واقع شده‌اند و خبط فرانسه در تحویل سوپر اتاندار به عراق تلخ کامی آنها را تصدیق مینماید. امام روحانی این فاجعه را ریشه مخاصمت

ایران علیه دولت فرانسه میداند و البته فرانسه که در گذشته گامهای بزرگی در راه یاری رژیم خمینی برداشته شاید انتظار دیگری جز آنچه که امروز در ایران میگذرد نداشتی.

معذالک رهبر شیعیان اقرار میکند که از درک مسئله زیر عاجز است: " چگونه کشوری که به همکاری و بمساعدت دول غرب آنهم در جمیع شئون نیازمند است سیاستی را دنبال میکند که نتیجه آن بر هم خوردن موازنه در جهان غرب خواهد بود. ولی بهر صورت تروریسم یا ارباب - بفرض اینکه ایران عامل و محرک اصلی آن باشد اتهامی که البته هرگز باثبات نرسیده - قطعا " و بی‌امان محکوم است. "

دکتر روحانی ریاست مرکز اسلامی ایران در پاریس را که بیست سال پیش بهمت خود بنیان ریخته بود رها ساخته است. این مرکز اخیرا " بدستور دولت فرانسه تعطیل گردیده. روحانی آن روزی از رهبری این مرکز مستعفی شد که ملاحظه کرد هدفهای مورد پیروی گروهی از دانشجویان را که در عمل از مروجین ایده‌هایی موسوم به خمینیسم بوده و تبلور یک سیستم بی‌رحم و قس‌القلب را میرسانند و بواقع از رافضین اسلام راستین میباشند. با اهداف مرکز اسلامی ایران در پاریس یعنی پیروی و مطالعه اسلام و اندیشهای که پیامبر محمد به ارث گذاشته منافات دارد.

پیشوای مسلمانان شیعی مذهب اروپا چنین استنتاج میکند که تنها اقبال جهان در این است که خوشبختانه رژیم تهران وسایل لازم را برای تحقق بخشیدن تهدیدهای خود ندارد.

زیرا بعقیده دکتر روحانی تردیدی نیست که خمینی در گذشته مردی بودی صمیمی و نیک سرشت ولی نیل به قدرت او را دگرگون ساختی همانند هیتلر و او را به دیکتاتوری تبدیل کردی که حجابی دیدگانش را مستور نمودی. آری اگر این مرد چنین وسایلی در اختیار میداشتی چه کارها که نکردی.

ژ. م. دیران سوفلان

تلگرام زیر روی تلکس خبرگزاریها منعکس شد و در زنجیره‌های دوم و سوم تلویزیون فرانسه خوانده شد و در مطبوعات جهان انعکاس گسترده‌ای داشت .

پاریس ۲۷ دسامبر ۱۹۸۳

حضرت آیت الله خمینی تهران - ایران

شاید به اطلاعاتان رسیده باشد که پاپ اعظم ژان پل دوم رهبر کاتولیکهای جهان، اراده کرده است بمناسبت آغاز سال نو مسیحی در زندان بدیدار "محمد علی اقصی" جوان مسلمان ترک برود که در تاریخ ۱۳ مه ۱۹۸۱ قصد داشت در سوء قصدی وی را بقتل برساند .

پاپ اعظم علت تصمیم خود را چنین بیان داشته است : از یک سو مایلیم بدانم چرا وجود من خشم و تنفر حتی یک فرد انسان را برانگیخته باشد تا آنجا که اراده بر قتل من کند، و از سوی دیگر میخواهم عامل سوء قصد را اطمینان دهم که با همه الاهی که در این ماجرا کشیدم شخصا "از وی کمترین کینه‌ای در دل ندارم و او را بخشودم .

با چنین اقدامی، در حقیقت رهبر کلیسای کاتولیک توجه مردم جهان را بعظمت مقام عفو و بخش و مهر و محبت در آئینی که مروج و مبلغ آنست جلب میکند و همزمان احترام جهانیان را به شخصیت ممتاز روحانی خود برمی انگیزد .

در همین حال ما شاهد آثار ناگواری هستیم که اجراء برنامه‌ها و روش‌های خشونت‌آمیز در جمهوری اسلامی ببار آورده است، و چهره درخشان اسلام بر اثر آنهمه قهر و خشونت مخدوش شده و در عین حال بهانه بدست مدعیان افتاده است که باستاناد به آنچه در ایران میگردد، به دنیا اعلام کنند : اسلام آئین خشونت و قساوت و انعطاف ناپذیری است . حضرتعالی که بعنوان یکی از رهبران مذهبی در راس چنین حکومتی قرار دارید، آیا فراموش کرده‌اید که رسول خدا فرمود : بخداوندی که جان من در اختیار اوست سوگند، هرگز وارد بهشت نمیشوید مگر اینکه ایمان بیاورید، در صورتی مومن راستین هستید که یک دگر را دوست بدارید و بیک دگر محبت بوزرید . مولای متقیان به مالک اشتر حکمران مصر میفرماید : "مالک" تو فرمانفرمایی و فرمانبران تواز دو صنف بیرون نیستند، یا مسلمان هستند و برادر دینی تو، و یا انسانهایی هموع تو هستند رفتارت با همه یکسان و محبت‌آمیز باشد . آیت الله خمینی، موضوع محبت در اسلام بقدری ارزش و اهمیت دارد که امام باقر میفرماید : هل الدین الا للحب "دین چیزی جز محبت نیست .

پس چرا حقیقت را بطوریکه هست به ثبوت نمیرسانید. و آئین اسلام را دین وحشت و ترور و قساوت و آدمکشی معرفی کرده‌اید. با چنین دستوراتی روا نیست که روشهای خشونت‌آمیز و تجاوز کارانه همچنان در جمهوری اسلامی ایران ادامه داشته باشد.

والسلام علی من تبع الهدی
پاریس - سید مهدی روحانی
رهبر شیعیان اروپا

هو

پیام نوروزی

آیت‌الله دکتر سید مهدی روحانی رهبر شیعیان اروپا

نوروز یک‌هزار و سیصد و شصت و سه در شرایطی فرا میرسد که متأسفانه آنرا باقتضای سنن دیرینه ایرانی نمیتوان جشن گرفت و تبریک گفت، زیرا در همین ایام که نخستین غنچه‌های بهاری میشکند، اجساد هزاران نوجوان ایرانی که بر اثر ادامه یک جنگ وحشیانه و بی منطق، گل وجودشان ناشکفته پریز شده است، در روی زمین باقی است. و مجال جمع آوردن و دفن کردن آنها دست نمیدهد.

نوروز را چگونه میتوان در شرایطی جشن گرفت و تبریک گفت که خانواده‌های ایرانی اکثراً "عزادارند و میلیون‌ها تن از هموطنان ما، در داخل و خارج کشور بحال دربدری و خانه خرابی، دست به گریبان انواع محنت و مصیبت، سال دیگر را پشت سر میگذارند، چگونه میتوان با دلی خوش و خاطری امیدوار با استقبال سال نورفت درحالیکه انحراف از آرمانهای انقلاب مردم ایران، کشور ما را بانزوای سیاسی و بین بست کشانیده است و بیکه تازی عناصر فرصت طلب هنگامه جو و عاری از احساس مسئولیت همچنان علی‌رغم فجایعی که بار آورده‌اند ادامه دارد.

زعمای حکومت کنونی نه فقط با اصول سیاست و رموز مملکت داری بیگانه‌اند بلکه بنظر میرسد مبادی مذهبی را هم فراموش کرده‌اند و آنچه میگویند هم معارض با عقل است و هم مغایر با شرع. یکی از مقامات برجسته رژیم، ضمن رجز خوانی درباره آخرین حملات موج انسانی که قمار مکرری است و هر بار بقیمت جان هزاران نوجوان معصوم تمام میشود، اظهار

داشته است ما این عملیات را "خیبر" نام گذاردیم زیرا فاتحان آن علی‌های کوچکند، ! عجب! عجب! فرضاً "که دنیا به قرن اول هجری برگشته و جنگهای پیچیده تاکتیکی با جنگ خیبر قابل مقایسه باشد، باید سؤال کرد چرا علی‌های کوچک باید بفتح خیبر بروند! علی‌های بزرگ کجا هستند؟ و چگونه بخودشان حق میدهند در حالیکه بدور خودشان حصار پولادین کشیده‌اند و از جان کسان و فرزندان خود بوسیلهٔ گروههای مسلح و سیستم‌های مدرن حفاظی و امنیتی حفاظت می‌کنند جگرگوشگان مردم را بکام مرگ بفرستند! در جنگ خیبر علی (ع) فرمود قلعه "خیبر" بقوه رَحْمَنِیه در خیبر را از جاکندم نگفت کودکان را به فتح خیبر فرستادم و از آنها خواستم ایام عید را در سنگرها زیر گلوله و بمب بگذرانند و بفکر مرخصی چند روزه هم نباشند، در حالیکه برای خودم استراحت ۲۱ روزه سلامتی مقرر می‌داشتم!

صمیمانه آرزو دارم و بحق محمد و آلہ از درگاه ربوبیت اعلی استغاثه و استرحام میکنم که سال آینده، در چنین ایامی این شرایط و احوال تغییر کرده باشد و مردم مسلمان ایران پس از چند سال، با خاطری فارغ و دل پر امید نوروز را جشن بگیرند.

يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ
يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
يَا مُجَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَجْوَالِ
جَوِّلْ خَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ